

The Nature of the Franchise Contract and the Obligations Arising from It in Iranian Jurisprudence and Law

Atefeh Abdollahei¹, Ramezan Dehghan^{2*}, Amir Khajehzadeh³

1. Ph.D. Student of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 141-158

Article history:

Received: 24 Jul 2023

Edition: 10 Oct 2023

Accepted: 18 Des 2023

Published online: 21 Oct 2024

Keywords:

franchise, franchisee, contract, intellectual rights, Paris Convention.

Corresponding Author:

Ramezan Dehghan

Address:

Iran, Damghan, Islamic Azad University, Damghan Branch, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0003-1707-7672

Tel:

Email:

r.dehghan@damghaniau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: intellectual property rights are a new branch of civil rights that has been created due to the expansion of science and the creation of literary and artistic works. The purpose of intellectual and moral property rights is to protect this category of works. The progress of intellectual property rights in commercial activities has turned franchise contracts into a type of commercial contracts.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: From the point of view of jurisprudence and law, the franchise contract is very similar to the right of usufruct because the franchise contract is a contract whereby one party (franchisee) gives to another party (franchisee) the right to practice a profession in exchange for material differences. on behalf of the franchisee and in his name, and therefore the franchisee has the right to use the name and trademark and other intellectual property rights, experimental knowledge and experimental methods belonging to the franchisor.

Conclusion: In the franchise contract, the obligations that are burdened by both parties of the franchise contract are very diverse. Obligations in this field can be divided into two categories: a) Obligations related to financial issues, such as the right to pay, royalties. b) Non-financial obligations, such as compliance with the exclusive right to benefit from the franchise, the franchisor's requirements in the franchise agreement.

Cite this article as:

Abdollahei A, Dehghan R, Khajehzadeh A. The Nature of the Franchise Contract and the Obligations Arising from It in Iranian Jurisprudence and Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



دوره ششم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۳

ماهیت قرارداد فرانشیز و تعهدات ناشی از آن در فقه و حقوق ایران

عاطفه عبداللهی^۱، رمضان دهقان^{۲*}، امیر خواجهزاده^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حقوق مالکیت فکری شاخه جدیدی از حقوق مدنی است که با توجه به گسترش علم و خلق آثار ادبی و هنری به وجود آمده است. هدف حقوق مالکیت فکری و معنوی حمایت از این دسته آثار است. پیشرفت حقوق مالکیت فکری در فعالیت‌های تجاری، قراردادهای فرانشیز را به صورت نوعی از قراردادهای تجاری مبدل کرده است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: از منظر فقه و حقوق، قرارداد فرانشیز به حق انتفاع شباهت زیادی دارد؛ زیرا قرارداد فرانشیز، قراردادی است که به موجب آن یک طرف (امتیازدهنده) به طرف دیگر (امتیازگیرنده) در ازای مابه‌التفاوت‌های مادی حق انجام یک حرفه، از جانب امتیازگیرنده و به نام وی به او عطا می‌کند و لذا امتیازگیرنده استحقاق استفاده از نام و علامت تجاری و دیگر حقوق مالکیت فکری، دانش تجربی و روش تجربی متعلق به امتیازدهنده را دارد.

نتیجه: در قرارداد فرانشیز تعهداتی که بر عهده دو طرف قرارداد فرانشیز بار می‌شود، بسیار متنوع است. تعهدات در این زمینه در دو دسته قابل تقسیم‌بندی است: الف) تعهدات مربوط به مسائل مالی، مانند حق پرداخت، حق امتیاز. ب) تعهدات غیرمالی، مانند رعایت حق انحصار در بهره‌مندی از امتیاز، الزامات امتیازدهنده در قرارداد فرانشیز.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۱-۱۵۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

واژگان کلیدی:

فرانشیز، امتیازگیرنده، قرارداد، حقوق معنوی، کنوانسیون پاریس.

نویسنده مسئول:

رمضان دهقان

آدرس پستی:

ایران، دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

0000-0003-1707-7672

تلفن:

پست الکترونیک:

r.dehghan@damghaniau.ac.ir

۱. مقدمه

یک فرصت یا یک چالش پرداخته است. همچنین حامد نجفی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای، مفهوم کارکرد مالکیت فکری در حقوق ایران و آمریکا را با تأکید بر قراردادهای فرانسیز بررسی کرده است. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده در این است که مقاله حاضر درصدد بررسی ماهیت قرارداد فرانسیز و تعهدات ناشی از آن در فقه و حقوق ایران است. سؤال مقاله حاضر به این شکل قابل طرح است که ماهیت قرارداد فرانسیز و تعهدات ناشی از آن در فقه و حقوق ایران چگونه است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مفهوم قرارداد فرانسیز و سپس رویکرد فقه نسبت به قراردادهای فرانسیز بررسی می‌شود و در ادامه، ماهیت قرارداد فرانسیز و تعهدات ناشی از آن در حقوق ایران مورد بررسی قرار گیرد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

از منظر فقه و حقوق، قرارداد فرانسیز به‌حق انتفاع شباهت زیادی دارد؛ زیرا قرارداد فرانسیز، قراردادی است که به‌موجب آن یک‌طرف (امتیازدهنده) به طرف دیگر (امتیازگیرنده) در ازای مابه‌التفاوت‌های مادی

حقوق مالکیت فکری شاخه جدیدی از حقوق مدنی است که با توجه به‌گسترش علم و خلق آثار ادبی و هنری به وجود آمده است. هدف حقوق مالکیت فکری و معنوی حمایت از این دسته آثار است. پیشرفت حقوق مالکیت فکری در فعالیت‌های تجاری قراردادهای فرانسیز را به‌صورت نوعی از قراردادهای تجاری مبدل کرده است. تبدیل قراردادهای فرانسیز به یکی از فعالیت‌های تجاری بازتاب و انعکاس چهارچوب حقوقی و فرهنگی ملت‌ها است. به این دلیل که نیاز به ارائه یک تعریف دقیق از مفهوم قراردادهای فرانسیز احساس می‌شود. با توجه به این مطالب، مفهوم و قراردادهای فرانسیز و آثار آن در تمامی جوامع امر بسیار مهم و کاربردی است. چرا که سرمایه‌گذاران خارجی قبل از اقدام به سرمایه‌گذاری به مطالعه قوانین یک کشور می‌پردازد و با توجه به خواص خصوصیات و قوانین و فرهنگ آن کشور اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند. لذا هدف این پژوهش ارائه تعریفی از قرارداد فرانسیز، الزامات و تعهدات طرفین این قرارداد است. همچنین در عرصه بین‌الملل کنوانسیون پاریس (۱۹۶۱)، کنوانسیون تریپس (۱۹۹۴) و کنوانسیون برن (۱۸۸۶)، معاهده همکاری در ثبت اختراع (۱۹۷۰)، موافقت‌نامه مادرید (۱۸۹۱)، کنوانسیون اروپایی اختراع (۱۹۷۷) به قراردادهای فرانسیز اشاره داشته‌اند. در حقوق ایران پژوهش‌های متعددی در خصوص قراردادهای فرانسیز انجام شده است. پژمان محمدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای ماهیت و اثر قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مؤلف را بررسی کرده است. فاطمه‌السادات ایروانی مهاجرانی (۱۴۰۰) نیز در مقاله خود به بررسی قاعده کشور محل حمایت در حقوق مالکیت فکری، به‌عنوان

حق انجام یک حرفه، از جانب امتیازگیرنده و به نام وی به او عطا می‌کند و لذا امتیازگیرنده استحقاق استفاده از نام و علامت تجاری و دیگر حقوق مالکیت فکری، دانش تجربی و روش تجربی متعلق به امتیازدهنده را دارد.

۵. بحث

با توجه به اینکه نگارندگان در این تحقیق سعی در بررسی مفهوم و آثار قرارداد فرانسیز دارند، روش پژوهش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است؛ زیرا صرفاً به بررسی متغیرها می‌پردازند و از دخل و تصرف در آن‌ها اجتناب دارند؛ اینکه چه آثار و نتایج مورد حمایت حقوق مالکیت فکری قرار می‌گیرد؟ حقوق معنوی که بی‌ارتباط با حقوق مالکیت فکری نیست نیز هم تعریف مشخصی ندارد. برخی در تعریف حقوق معنوی بیان می‌کنند: «مزیتی است قانونی و غیر مادی و مربوط به شخصیت پدیدآورنده یک اثر فکری که به موجب آن وی برای همیشه از یک دسته حقوق برخوردار است» (آیتی، ۱۳۷۵). مقررۀ هشتم از قسمت ۸ ماده ۱ قانون اساسی آمریکا بیان می‌کند: «کنگره، از طریق تأمین حقوق انحصاری پدیدآورندگان آثار ادبی هنری و مخترعان نسبت به تألیفات و کشف‌هایشان را برای مدت محدود می‌تواند جریان علم و منافع مفید را توسعه دهد». کنوانسیون پاریس (۱۸۸۳) به حقوق مالکیت صنعتی که یکی از زیر مجموعه‌های حقوق مالکیت فکری است، اشاره کرده است. ماده ۲۲ این کنوانسیون از طریق بیان مصادیقی از حقوق مالکیت صنعتی درصدد ارائه تعریفی از این مجموعه حقوقی برآمده است. این ماده بیان می‌کند: «موضوع حمایت صنعتی عبارت است از گواهی‌نامه اختراع، نمونه اشیا مفید، طرح‌های-

صنعتی، علائم تجاری، علائم خدماتی، نام‌های تجاری، نشانه‌های منبع یا اسامی مبدأ و مقابله با رقابت غیر منصفانه» در دیگر موافقت‌نامه ایران با دیگر کشورها، مصادیق حقوق مالکیت معنوی و صنعتی بدون قید تعریفی از آن‌ها ارائه شده است. جزء «ء» بند ۱۱ ماده ۱ موافقت‌نامه ایران با چین، جزء «ت» بند ۱ ماده ۱ موافقت‌نامه ایتالیا با ایران، «کلیۀ حقوق معنوی، صنعتی» را به‌عنوان یکی از مصادیق سرمایه به‌حساب آورده است. اما موافقت‌نامه ایران با اسپانیا به بیان مصادیق از «حقوق مالکیت معنوی» پرداخته است. بند «ت» ماده ۱ موافقت‌نامه ایران به اسپانیا آمده است: «حقوق مالکیت معنوی فرایندهای فنی دانش فنی و حسن شهرت تجاری است» (اسدلو، ۱۳۹۸). با توجه به این موارد، متأسفانه علی‌رغم گستردگی حقوق مالکیت فکری و معنوی هنوز تعریف جامع و مانعی در این باره از سوی حقوق‌دانان و قانون‌گذاران ارائه نشده است و ایشان به قید مصادیق آن اکتفا نموده‌اند. مثلاً قانون حمایت مؤلفان مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸)، قانون ترجمه و تکثیر و کتب و نشریات و آثار صوتی (۱۳۵۲)، کنوانسیون پاریس (۱۹۶۱)، همگی به‌جای ارائه یک تعریف جامع و مانع به قید مصادیقی اکتفا نموده‌اند. با نگاهی موسع به نظریات حقوق‌دانان و فرهنگ حقوقی بلک وبستر و کتاب راهنمای سازمان جهانی مالکیت فکری می‌توان گفت که حقوق مالکیت فکری حقوق غیر مادی ناشی از تفکرات انسان و دارای ارزش تجاری است. مصادیق گوناگونی هم‌چون اختراع، علائم تجاری، حقوق ادبیات و هنری و برای آن قید کردند (نجفی، ۱۴۰۰). اگر موضوع مالکیت فکری و معنوی را حاصل تعامل در نظر بگیریم. تشخیص این مسئله که مال در چه زمانی به وجود

۵-۱. قرارداد فرانسیز

پیشرفت حقوق مالکیت فکری در فعالیتهای تجاری قراردادهای فرانسیز را به صورت نوعی از قراردادهای تجاری مبدل کرده است. تبدیل قراردادهای فرانسیز به یکی از فعالیتهای تجاری با زتاب و انعکاس چهارچوب حقوقی و فرهنگی ملت‌ها است. به این دلیل که نیاز به ارائه یک تعریف دقیق از مفهوم قراردادهای فرانسیز احساس می‌شود. به علاوه، در شرایط خاص هدف از ارائه تعریف از ماهیت قرارداد فرانسیز، ارائه یک تعریف معین از حقوق و تعهدات طرفین قرارداد فرانسیز، مسئولیت جبران خسارات وارده، روش‌های اتمام قرارداد فرانسیز و ... است. قراردادهای فرانسیز، مدلی از قراردادهایی است که تجارت را از کمترین سطح آغاز می‌کند. چراکه خالق اثر تقریباً بدون هیچ سرمایه‌ای با واگذاری حق خود در قرارداد فرانسیز اقدام به فعالیتهای تجاری سودآور می‌کند. برخی عقیده دارند قراردادهای فرانسیز فقط در جوامع امروزی و مدرن درآمدزا هستند. در واقع درآمدزایی این نوع قراردادها به میزان پیشرفت بودن جوامع بستگی دارد. پاسخ سؤال چرایی ماهیت قراردادهای فرانسیز بسیار پیچیده است. این قرارداد شامل توافقات با نام و بدون نام خواهد بود. توافق توزیع و اعطای پروانه، توافق واگذاری حقوق مالکیت صنعتی از جمله مصادیق قراردادهای فرانسیز هستند (پلیوانو، ۲۰۲۲). با توجه به این مطالب، مفهوم و قراردادهای فرانسیز در تمامی جوامع امر بسیار مهم و کاربردی است. چراکه سرمایه‌گذاران خارجی قبل از اقدام به سرمایه‌گذاری به مطالعه قوانین یک کشور می‌پردازد و با توجه به خواص خصوصیات و قوانین و فرهنگ

می‌آید کمی دشوار است. مثلاً اگر محقق و دانشمندی که به یک نظریه علمی دست یابد یا نویسنده که اقدام به نگارش یک کتاب کند. بدون اینکه آن را به ثبت برساند. آیا مالی ایجاد شده است؟ در واقع ثبت یک اثر فقط جنبه تشریفاتی دارد و تغییری در موجودیت، فکر و نتیجه حاصله ندارد. یعنی با توجه به قول و بنای عقلا، ثبت اثر تغییری در موجودیت آن ندارد. در صورتی که این آثار ثبت گردد مورد حمایت قانون‌گذار قرار می‌گیرند (محمودی، ۱۳۹۱). البته با توجه به قوانین داخلی مربوطه و اسناد بین‌المللی می‌توان گفت که امروزه نتایج حقوق مالکیت فکری به عنوان مال پذیرفته شده است و همواره دولت‌ها و حقوق‌دانان با وضع قوانین، دستورالعمل‌ها و کنوانسیون‌های در صدد حمایت از خالق این آثار هستند. قانون‌گذاران همواره حقوق معنوی را حق قائم به شخص می‌دانند که با قراردادهای قانونی با خالق اثر می‌توانند حق بهره‌برداری از آن را به دیگران منتقل کنند. در واقع یکی از روش‌های تعادل و حفظ مصلحت جوامع امکان واگذاری حقوق مالکیت فکری و معنوی افراد طی قراردادهای کاربردی ماده ۲۸، ۲۹ معاهده تریپس (۱۹۹۴)، ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات و علائم و طرح‌های صنعتی ایران (۱۳۸۶) از نمونه‌های توجه و تلاش قانون‌گذاران در راستای کنترل و تنظیم این دسته از قراردادها است (عالی‌پناه و همکاران، ۱۳۹۹). در حقوق ایران تعریف معین از قراردادهای فرانسیز ارائه نشده است. در این پژوهش نویسنده بر آن است که اولاً به تعریف قراردادهای فرانسیز و ماهیت آن‌ها بپردازد و سپس آثار آن را از جهت تعهدات و حقوقی که بر امتیازدهنده و امتیازگیرنده بار می‌آورد.

آن کشور اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند (ایروانی مهاجرانی، ۱۴۰۰، ۴). معاهدات دوجانبه و یا چندجانبه مثل کنوانسیون پاریس، کنوانسیون برن معاهده همکاری در ثبت اختراع (موافقت‌نامه مادرید)، کنوانسیون اروپایی اختراع و موافقت‌نامه تریپس باعث فرامرزی شدن قراردادهای فرانشیز شد. در واقع تصویب این معاهدات و توافق‌نامه‌ها خصیصه محدودیت مکانی قراردادهای کمرنگ کرد (محمودی، ۱۳۹۱، ۷۸).

علی‌رغم اهمیت ارائه یک تعریف معین و دقیق از مفهوم قراردادهای فرانشیز، متأسفانه قانون‌گذار ایرانی به این مورد کم‌توجه بوده است و از ارائه یک تعریف جامع از قراردادهای فرانشیز غفلت کرده است. بخش سوم دستورالعمل حقوقی اروپا درباره نمایندگی تجاری، به تعریف قرارداد فرانشیز مبادرت نموده است. این ماده مقرر می‌دارد: «قرارداد فرانشیز، قراردادی است که به موجب آن یک- طرف (امتیازدهنده) به طرف دیگر (امتیازگیرنده) در ازای مابه‌التفاوت‌های مادی حق انجام یک حرفه و از جانب امتیازگیرنده و به نام وی به او عطا می‌کند و لذا امتیازگیرنده استحقاق استفاده از نام و علامت تجاری و دیگر حقوق مالکیت فکری، دانش تجربی و روش تجربی متعلق به امتیازدهنده را دارد» (مشهدیان و همکاران، ۱۳۸۹). در حقوق ایران تعریف معین از قراردادهای فرانشیز ارائه نشده است. با توجه به اینکه در کشور فرانسه قراردادهای فرانشیز، ماهیت حقوقی مجزا با دیگر انواع قراردادها ندارند، آرای صادره از دادگاه‌های اروپایی و فرانسه، مبنی بر این است که قرارداد فرانشیز در این کشورها نوعی توافق پیمانکاری توزیع در یک منطقه معین بازار

به حساب می‌آید. هم‌چنین برداشت می‌شود که قرارداد فرانشیز، قراردادی است که امتیازدهنده برای دریافت سود و منفعت مالی به دیگری اجازه استفاده از نام و روش‌های تجاری را می‌دهد که باعث موفقیت معامله وی می‌شود. قانون اتحادیه کشور فرانسه (۱۹۸۷)، عقد فرانشیز را به این صورت تعریف می‌کند: «روش همکاری میان امتیازدهنده حتی با مؤسسه یا مؤسساتی که امتیاز را به آن‌ها واگذار می‌کند:

- تملک یا حق استفاده از علامت جذب کارگران چه علامت‌های تجاری و یا صنعتی و یا آرم‌ها که شامل اسم شرکت و یا اسم تجاری و یا اسرار تجاری هستند؛ - استفاده از نوعی روش فنی و یا آگاهی به شیوه به دست آوردن مخصوص آن؛

- مجموعه‌ای از محصولات یا خدمات و یا تکنولوژی به صورت رایگان یا معوض؛

- ارتباط میان این عناصر نوع سومی از مفهوم قرارداد فرانشیز است».

این تعریف از جهات بی‌شماری مورد نقد و اشکال واقع شده است:

- این تعریف به عناصر مهم و ضروری قرارداد فرانشیز از جمله واگذاری حق رقابت و تملک از جانب امتیازدهنده به امتیازگیرنده، اشاره‌ای نداشته است.

- هم‌چنین شرط ضمان، در مورد شهرت تجاری یا شهرت اشخاص نیز مورد غفلت قانون‌گذار قرار گرفته است. این تعریف فقط به تعهدات امتیازگیرنده در صورت تملیک علامت تجاری انواع مختلف آن اشاره داشته است.

کارکنان را در تمام جنبه‌های بازرگانی اداری و فنی و انجام دهد.

- امتیازگیرنده در طول مدت قرارداد فرانشیز باید به پرداخت‌های مالی و دوره توجه کند و هزینه‌های مقرر که برای پیوستن وی به شبکه هزینه شده است، اقدام کند. همچنین باید برای پرداخت هزینه کالاها و خدمات ارائه شده به امتیازگیرنده اقدام کند.

- قرارداد منعقد بین شرکت هلدینگ و شرکت تابعه آن امتیاز محسوب نمی‌شود.

- همچنین قرارداد منعقد با همان شخص و یا همان شخص با شرکتی که آن را کنترل می‌کند، با توجه و دقت در مفهوم این ماده در میابیم که تعریف قانون‌گذار انگلستان از قراردادهای فرانشیز از دقت و اهتمام بیشتری برخوردار بوده است (حنان ایمان، ۲۰۱۳، ۹۲).

البته قانون‌گذار انگلستان به قراردادهای، توجه ویژه‌ای داشته است. انجمن ملی فرانشیز انگلستان در سال ۱۹۷۷ تأسیس شد که یک انجمن داوطلبانه بود و به منظور ترویج عملکرد صحیح قراردادهای فرانشیز در جهت توسعه اعتبار و کمک به رشد صنعت به وجود آمد. به طور کلی در قوانین انگلستان محدودیتی برای قراردادهای فرانشیز که باعث رشد توسعه می‌شود اعمال نمی‌گردد. در واقع هدف قانون‌گذار انگلیسی این بوده است که با وضع قوانین و مسامحه‌ای و اجمالی به طرفین قرارداد فرانشیز امکان درج شروط ضمن عقد را با توجه به موقعیت مکانی و زمانی خود بدهد. هیچ کنترل عقد یا محدودیتی و پرداخت ارز خارجی که برای فرانشیز فرامرزی در بریتانیا قابل اعتماد باشد وجود ندارد.

- همچنین اشاره‌ای کوتاه به انتقال علوم و دانش داشته است. ولی قرارداد فرانشیز الزامات و تعهدات دیگری نیز به بار می‌آورد که در این ماده به آن اشاره‌ای نشده است.

- اگرچه این تعریف به امتیازات متعلق به امتیازگیرنده اشاره می‌کند. ولی فقط به جنبه مالی این امتیازات اشاره دارد و نه شیوه‌های اداری و حرفه‌ای که بعضاً می‌توانند باعث جلوگیری از ورود جبران خسارات می‌شوند و نظارت امتیازدهنده می‌تواند مؤثر در حفظ شهرت تجاری گردد.

- همچنین این تعریف به میزان پاداش و اجرت اشاره‌ای نداشته است. در صورتی که حق الزحمه از عناصر اصلی قرارداد است. در واقع هدف از انعقاد این قرارداد تحصیل سود و منفعت مادی است (عایشه ابراهیم، ۲۰۲۰، ۹۱).

در انگلستان، قرارداد فرانشیز به این صورت تعریف می‌شود: «قراردادی است که امتیازدهنده به امتیازگیرنده پروانه و حق بهره‌برداری از اثر خود را می‌دهد. در این قرارداد، امتیازدهنده به امتیازگیرنده اجازه می‌دهد یا از او می‌خواهد که در یک دوره زمانی معین تحت نام تجاری او کار خاصی را انجام دهد.

- اعطای مجوز که امتیازگیرنده از آن امتیاز استفاده می‌کند و امتیازدهنده در طول مدت قرارداد بر فعالیت وی کنترل و نظارت داشته باشد.

- امتیازدهنده موظف است هر آنچه را برای انجام کارهای موضوع قرارداد لازم است در اختیار دارنده پروانه قرار دهد. در واقع امتیازدهنده باید کمک‌های فنی و تجاری و سازمان‌دهی ایثار خود و آموزش

طرفین باید در متن قرارداد حق انتخاب نوع ارز پرداختی و نرخ آن بر مبنای زمان پرداخت را شرح دهند. قرار دادهای فرانسیز بریتانیا معمولاً برای یک دوره اولیه، پنج ساله می‌شود. این دوره، در قرارداد با پیش‌بینی دوره پنج ساله دیگر مشروط به تأیید امتیازدهنده و رعایت معیارها تمدید خاصی در پایان هر دوره تکمیل می‌شود. رویکرد دوره پنج ساله در بریتانیا در پاسخ به قانون رقابتی اروپا، به‌ویژه ماده ۱۰۱ معاهده عملکرد اروپا است (پین، ۲۰۲۲، ۱۱۰). بند ۳ ماده ۸۳ معاهده انجمن اقتصادی اروپا مفهوم قرارداد فرانسیز را به این صورت تعریف می‌کند: «یک مجموعه مقرراتی که از حقوق مالکیت صنعتی یا معنوی مربوط به علائم تجاری، نام‌های تجاری، تابلوهای مغازه‌ها، مدل‌های کاربردی، طرح‌ها، حق چاپ، دانش فنی یا اختراعات که برای فروش مجدد کالا یا ارائه خدمات به کاربران نهایی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد». در واقع قرارداد فرانسیز قراردادی است که به‌موجب آن یکی از شرکت‌ها امتیازدهنده در ازای پرداخت مالی مستقیم یا غیر مستقیم حق بهره‌برداری از امتیاز را به‌منظور بازاریابی انواع مشخصی از کالاها یا خدمات به دیگری امتیازگیرنده می‌کند.

۵-۲. ماهیت قرارداد فرانسیز در فقه

برخی از فقها و حقوق‌دانان مسلمان عقود فرانسیز را بیع صرف می‌دانند و معتقدند که اعتبار منابع فکری انسان مثل میوه‌های درخت است. یعنی همان‌طور که میوه‌های درخت را به‌عنوان منافع باغ خریداری می‌کنند. منافع نتایج حاصله فکری انسان را می‌توان خریداری نمود و خریدار یا بهره‌مند را باید مالک آن ایده ذهنی دانست (الحسنی الندرینی،

۱۴۰۱). در مقابل دیگر فقهای معاصر اهل تسنن درباره بیع بودن قراردادهای فرانسیز بحث و اختلاف نظر دارند و با استناد به برخی از احادیث و روایات معتقدند که قراردادهای فرانسیز نوعی قرارداد وکالت است و نه بیع (الحسنی الندرینی، ۱۴۰۱). با توجه به اصول و آموزه‌های حقوق مالکیت فکری ایران، می‌توان گفت که حقوق مالکیت فکری و معنوی همانند دیگر اموال مادی «حق شخصی مشروع و قانونی» است. البته در اینکه این حق، عینی و یا دینی است، بحث و اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوق‌دانان با توجه به ویژگی‌های خاص این دسته از حقوق را «حقوق خصوصی محض» نامیده‌اند. منظور از «حقوق خصوصی» در این عبارت یعنی حقوقی که صرفاً منافع و مصالح دارنده آن را لحاظ می‌کند و به مصالح و منافع عموم توجه نمی‌شود و همانند حق دینی مقابل حق عینی قرار نمی‌گیرد (نجفی، ۱۴۰۰). عده‌ای از فقها نظری مخالف دارند. چنانچه هاشمی شاهرودی در مورد حقوق معنوی بیان می‌کند: «امور معنوی مثل صنعت هنر و فکر مال نیست و کسانی که خالق این آثار هستن. صرفاً حق بهره‌برداری از آن را دارند. در صورتی که دیگران حق استفاده از آثار ایشان را ندارند. این دسته از حقوق، حقوقی است که متعلق آن مال نیست» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۴).

بجنوردی که یکی از علمای عصر حاضر است در این باره می‌فرماید: «در کلیه جوامع بشری از جمله زرتشتی، یهودی، مسیحی و مسلمان برای حقوق معنوی از جمله حق طبع و انتشار حق اختراع ارزش قائل هستند و این حق مختص افراد ذی‌حق از جمله خالق اثر است. یعنی بنای عقلا مؤید این مطلب است. چنان که می‌گویند: «العقلاء بماهم عقلاء» و با توجه

به قاعده «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» مشروعیت این حقوق قابل تأیید است. چراکه عموماً بر مالیت و ارزش این حقوق متفق القول هستند و شرع مبین اسلام از دلایل عقلی حمایت می‌کند (بجنوردی، ۱۳۷۱).

همچنین با توجه به فتاوی و نظریات دیگر فقهای اسلامی عموماً افراد با اجازه و اذن صاحب مال، حق استفاده و بهره‌مندی از آن را دارند. چنانچه فردی از حق معنوی دیگری بدون داشتن اذن و اجازه استفاده کند، ناقض حق وی محسوب می‌شود و دارای ضمان است. مثلاً فقها در این باره می‌گویند: «لایحل لاحد أن یتصرف فی مال غیره إلا بإذنه» یعنی: «حلال نیست بر شخصی که در مال شخص دیگری تصرف کند؛ مگر با اجازه وی». و همچنین دیگر فقها استناد می‌کند: «و لا یحل دم امرء مسلم و لا ماله الا بطیب نفسه» یعنی: «خون و مال مرد مسلمان حلال نیست؛ مگر با اجازه وی» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۳، ۱۲۵). این فتاوی و ایده‌های تجاری بسیاری از بازرگانان و لزوم حفظ تعادل جامعه حقوق دانان و دولت‌ها را به تأمل و تفکر واداشت. همان‌طور که افراد خالق اثر، مشتاق به بهره‌برداری مالی از آثار هنری علمی و خود هستند. بازرگانان با استفاده از ایده‌های تجاری و دانش خود این انگیزه را میسر آوردند و با سرمایه‌گذاری در این راه به کسب سود فراوان پرداختند و خالق اثر را نیز بهره‌مند نمودند.

۵-۳. ماهیت قرارداد فرانشیز در قانون ایران

قراردادهای فرانشیز یکی از مهم‌ترین مباحث مناقشه و بحث حقوق دانان و فقهای معاصر است. با توجه به اینکه قانون‌گذار محترم جمهوری اسلامی ایران در قانون حمایت از حقوق مؤلفان مصنفان و

هنرمندان (۱۳۴۸) به امکان انتقال و واگذاری حقوق مالی اشاره نموده است، این انتقال و واگذاری با عقد بیع و هیچ‌یک از عقود معین تشابه ندارد و همچنین رویه قضایی در اینکه آیا قراردادهای فرانشیز بیع است یا خیر؟ ساکت است. حقوق دانان به بررسی ماهیت این عقد همت گمارده‌اند. برخی قرارداد فرانشیز را بیع خوانده‌اند؛ اما بر این نظریه اشکالاتی وارد شده است. از جمله اینکه:

الف) در قرارداد بیع، مبیع به مالکیت مشتری در می‌آید و وی اختیار کامل در استفاده از آن را دارد. چراکه در نتیجه بیع مالک قانونی مبدل می‌گردد؛ اما در قراردادهای فرانشیز صاحب اثر همچنان صاحب حق است و اختیار امتیازگیرنده در استفاده از حق را محدود می‌کند. لذا نمی‌توان گفت که این دسته از قراردادها بیع هستند.

ب) امتیازگیرنده در زمان بهره‌برداری از اثر تابع اراده خالق آن است. چنان‌که ماده ۱۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ایران (۱۳۸۴) در این باره مقرر می‌نماید: «امتیازگیرنده باید نام پدیدآورنده را به عنوان و نشان ویژه معرف اثر وی را روی نسخه‌های چاپی و تکثیرشده به روش معمول و متداول اعلام و درج نماید» که این مطلب مؤید و نشان‌دهنده تنافی قراردادهای فرانشیز با عقد بیع است.

ج) ماده ۱۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ایران (۱۳۸۴) مقرر می‌دارد: «انتقال-گیرنده حق پدیدآورنده می‌تواند تا سی سال پس از واگذاری از این حق استفاده کند؛ مگر اینکه برای مدت کمتر توافق شده باشد».

این ماده مدت مالکیت را محدود نموده است که این مطلب با مقتضای ذات عقد بیع مخالفت دارد.

د) در صورتی که امتیازگیرنده بهره‌مندی از اثر را متوقف کند، دارای ضمانت کیفری است. اگرچه این مطلب به‌طور صریح در قوانین ایران قید نشده است، با مراجعه به مفاهیم قوانین می‌توان به این مطلب پی برد. در صورتی که در عقد بیع امکان درج اشتراط در جهت استفاده از نوع وجود ندارد.

ز) حقوق معنوی و مالکیت فکری قائم به شخص است و قائم به شخص نیز باقی می‌ماند و امتیازگیرنده فقط حق استفاده از آن را دارد. در قرارداد بیع خریدار می‌تواند مبیع را تلف کند؛ ولی در قراردادهای فرانشیز امتیازگیرنده در صورت اتلاف، ضمانت دارد.

و) مطابق بند سوم ماده ۳۱۲ قانون مدنی، عقد بیع فروشنده را مکلف به تسلیم مبیع می‌کند. با توجه به عرف و بنای عقلا، صاحب اثر هنری و علمی را نمی‌توان به تسلیم آن مجبور کرد.

با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان گفت که قرارداد فرانشیز با عقدهای دیگر بسیار متفاوت است (محمدی، ۱۳۸۷، ۵۴).

از یک‌طرف این نهاد حقوقی قابلیت انطباق با هیچ یک از قالب‌های عقود سنتی معین برای مبادله اموال و دارایی‌های مادی و ملموس را ندارد. خصوصیت ویژه محصولات فکری از جمله تجزیه‌پذیری این محصولات از حیث موضوع، زمان،

مکان و عدم قابلیت اختصاص آن موجب می‌شود تا قالب‌های سنتی عقود معین پاسخگوی نیاز جامعه در عرصه داد و ستد تجاری این محصولات نباشد. از

طرف دیگر در خصوص انطباق این قرارداد با مقررات ماده ۱۰ قانون مدنی باید گفت هرچند قانون‌گذار قانون مدنی حین تصویب ماده ۱۰ این قانون در مقام پذیرش اصل حاکمیت اراده در قراردادهای خصوصی نسبت به اموال و دارایی‌های محسوس و مادی بوده و اساساً نسبت به مفاهیمی همچون فرانشیز و دیگر قراردادهای حوزه مالکیت فکری آشنایی نداشته است؛ اما به‌منظور رفع بلا تکلیفی در موضع فعلی و با توجه به شرایط و احکام خاص عقود معین ناگزیر به انطباق این نهاد حقوقی با عموم و اطلاق مقررات ماده ۱۰ قانون مدنی هستیم؛ اما این تفسیر و توجیه نه تنها نباید قانون‌گذار را غافل نموده؛ بلکه با توجه به کاستی‌های موجود در این خصوص، لازم است قانون‌گذار نسبت به شناسایی این نهاد حقوقی و تعیین آثار و احکام آن اقدام عاجل به عمل آورد.

۵-۳-۱. قرارداد فرانشیز و عقد اجاره

عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان قرارداد فرانشیز را به عقد اجاره تشبیه کرده‌اند. ماده ۴۶۶ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در تعریف عقد اجاره مقرر می‌دارد: «اجاره عقدی است که به‌موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود. اجاره‌دهنده را موجر و اجاره‌کننده را مستأجر و مورد را عین مستأجره گویند».

ماده ۴۶۷ در ادامه مقرر می‌کند: «مورد اجاره ممکن است اشیا یا حیوان یا انسان باشد».

در قرارداد فرانشیز امتیازگیرنده مالک منافع و ذرات منفعت نیست و فقط حق بهره‌برداری از آن را دارد. در صورتی که در اجاره مستأجر مالک ذرات منفعت به حساب می‌آید. لذا با این قیاس می‌توان گفت که

فرانشیز با عقد صلح تفاوت دارد. مهم‌ترین تفاوت بین این دو قرارداد، تفاوت ماهوی است. چراکه صرف نظر از اینکه عنوان عقد صلح را طرفین در قرارداد مربوط به فرانشیز صریحاً یا ضمناً انتخاب نمی‌کنند؛ بلکه عقد صلح را بر مبنای مصالح و تسامح منعقد می‌کنند. درحالی‌که اساس قرارداد فرانشیز بر اذن در انتفاع (برقراری حق انتفاع) با ماهیت ویژه و مخصوص آن می‌باشد و قراردادی تجاری است که در آن برابری ارزش عرفی و کسب سود واجد اهمیت می‌باشد.

۵-۳-۳. قرارداد فرانشیز با حق انتفاع

ماده ۴۰ قانون مدنی بیان می‌کند: «حق انتفاع عبارت است از حقی که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد، استفاده کند».

دیگر حقوق دانان قرارداد فرانشیز را با حق انتفاع برابر می‌دانند. حق انتفاع یعنی حق بهره‌برداری از مال دیگری به اسم او. اگر حق انتفاع را در مورد حقوق غیر مادی صحیح بدانیم و آن را به حقوق معنوی سرایت دهیم، می‌توان گفت که این عقد با حق انتفاع برابری دارد یا شباهت بسیار زیادی دارد. چراکه در هر دو قرارداد حق بهره‌برداری از مال معین امتیازگیرنده یا منتفع برگزار می‌شود و منتفع یا امتیازگیرنده مالکیت منفعت را ندارد و فقط اجازه استفاده از آن را دارد و در هر دو مورد، برای مدت معین منعقد می‌گردد. لذا می‌توان گفت که قرارداد فرانشیز به حق انتفاع شباهت زیادی دارد (صفری و همکاران، ۱۳۸۹).

عقد اجاره با ماهیت قرارداد فرانشیز تفاوت بسیار زیادی دارد (شهیدی، ۱۳۹۲، ۵۴). عنصر بارز اجاره، یعنی تملیک منافع به عوض معلوم در مدت محدود می‌باشد. تمام این اوصاف به جزء تملیکی بودن در فرانشیز نیز وجود دارد، با این تفاوت که اولاً در فرانشیز آنچه مورد مبادله قرار می‌گیرد، منافع نیست و فرانشیزگیرنده فقط اجازه استفاده از محصولات فکری فرانشیزدهنده را برای مدتی محدود دارد. ثانیاً در قرارداد فرانشیز اساساً امتیازدهنده چیزی را به امتیازگیرنده تملیک نمی‌کند؛ درحالی‌که در عقد اجاره آنچه متعلق قصد طرفین قرار می‌گیرد، انتقال منافع عین مستأجره در مدتی محدود است و انتقال مالکیت به هیچ وجه منظور اصلی نیست. بنابراین نظری فرانشیز اجاره مورد پذیرش نیست.

۵-۳-۲. قرارداد فرانشیز و عقد صلح

بر مبنای ماده ۵۷ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران عقد صلح یعنی: «صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود».

با دقت و تأمل در مفهوم و مفاد این ماده در میابیم که در انعقاد عقد خود عنوان صلح باید بر قرارداد به صورت ضمنی یا صریح از طرف از سوی طرفین قرارداد بار کرد. در صورتی که طرفین قرارداد فرانشیز نامی از صلح نمی‌آورند. همچنین انتخاب عقد صلح برای عقود مسامحه‌ای است و علم اجمالی در صلح کافی است. قراردادهای فرانشیز، قراردادهای قائم به شخص و با هدف کسب سود و منفعت مالی منعقد می‌شوند. لذا مسامحه در این عقود راه ندارد و عقد صلح با ماهیت قرارداد فرانشیز ارتباط و تشابه بین دارد (صادقی نشاط، ۱۳۷۶، ۱۳۱).

۵-۴. تعهدات ناشی از قرارداد فرانسیز

آثار قرارداد فرانسیز تعهداتی که بر عهده دو طرف قرارداد فرانسیز بار می‌شود، بسیار متنوع است.

برخی از فقها این تعهدات را دسته‌بندی نموده‌اند.

الف) تعهدات مربوط به مسائل مالی مانند حق پرداخت، حق امتیاز؛

ب) تعهدات غیر مالی مانند رعایت حق انحصار در بهره‌مندی از امتیاز، الزامات امتیازدهنده در قرارداد فرانسیز.

۵-۴-۱. الزامات امتیازدهنده

الزامات امتیازدهنده عبارت است از:

- امتیازدهنده، باید کلیه اطلاعات راجع به امتیاز را به امتیازگیرنده منتقل می‌کند. یعنی اطلاعاتی نظیر علامت تجاری، اسم تجاری و دیگر مباحثی را که در استفاده از آن امتیاز مهم است به امتیازگیرنده منتقل کند.

- امتیازدهنده باید دانش و فنون استفاده از آن امتیاز را به امتیازگیرنده منتقل کند. این دانش می‌تواند شامل مباحث علمی، قانونی، شیوه استفاده و یا آگاهی از وضعیت تجاری و فروش آن امتیاز باشد.

- امتیازدهنده، مکلف به پشتیبانی فنی و تجاری و آموزش کارکنان به‌طور مستمر در قرارداد فرانسیز است. مثلاً در صورتی که حین استفاده از آن امتیاز برای بهره‌مندی از آن امتیاز با توجه به تغییر شرایط اقتصادی، فرهنگی، مشکلاتی به وجود آید. امتیازدهنده باید آموزش‌های لازم را به امتیازگیرنده و کارکنان وی بدهد. یکی از جنبه‌های بسیار مهم

آموزش بازاریابی و فروش کالا و ترویج آن از طریق معرفی کیفیت محصول و برتری آن نسبت به سایر کالاهای رقیب است.

- همچنین روش‌های تهیه استفاده و نگهداری از محصولات امر بسیار مهمی است. مثلاً در واگذاری حق امتیاز سر آشپز، آموزش تزئین و ارائه غذا به مشتریان آن رستوران امری مهم تلقی می‌شود.

۵-۴-۲. حقوق امتیازدهنده

حقوق امتیازدهنده عبارت است از:

- حق بهره‌برداری از علامت تجاری؛

- تولیدی محصول، متناسب با نیازهای سرمایه‌گذاری صنعتی؛

- حق بهره‌مندی مالی از فروش کالاها و خدمات محصول؛

- حق تبلیغات محصول؛

- کنترل و نظارت بر عملکرد امتیازگیرنده و کارکنان وی (صابری، ۱۳۸۷، ۱۳۰)

۵-۴-۳. الزامات امتیازگیرنده

قرارداد فرانسیز باعث می‌شود که یک سری از اسرار و اطلاعات محرمانه به امتیازگیرنده منتقل شود. این وظیفه امتیازگیرنده است که همواره در راستای حفظ اسرار و اطلاعات تجاری همت گمارد. چراکه این قرارداد فقط باعث انتقال اطلاعات به او شده است (عایشه ابراهیم، ۲۰۲۰). الزامات امتیازگیرنده عبارت است از:

در صورت خاتمه قرارداد فرانسیز و انحلال آن امتیازگیرنده باید استفاده از علامت تجاری نام‌های تجاری و دیگر حقوق مالکیت فکری را متوقف کند (سندین، ۲۰۰۷، ۱۶۷).

مهم‌ترین تعهد مجوزگیرنده، پرداخت حق امتیاز مقرر در قرارداد است. در حقوق فرانسه در صورت عدم پرداخت عوض، حق فسخ برای لیسانس‌دهنده ثابت می‌شود. در پرونده مطروحه در دیوان عالی، شرکت مادری به یکی از شرکت‌های تابعه خود در فرانسه برای تولید محصولات، لیسانس اختراع و دانش فنی اعطا کرده بود؛ ولی شرکت‌گیرنده از پرداخت عوض قرارداد و سایر هزینه‌ها در سر موعد امتناع کرده بود که همین امر سبب پیدایش حق فسخ شده و دیوان عالی، انحلال قرارداد را به سبب یادشده تأیید کرد. شایان ذکر است که اصولاً عدم پرداخت هزینه‌های قانونی از جانب امتیازدهنده، لیسانس‌گیرنده را از پرداخت حق امتیاز معاف نمی‌سازد. از این رو اگر مجوزگیرنده در ایفای تعهد خود قصور نماید، حق فسخ برای لیسانس‌دهنده ثابت می‌گردد. در رویه قضایی آمریکا عدم پرداخت حق امتیاز به ثبوت حق فسخ می‌انجامد. بنابراین لیسانس‌گیرنده، حتی به ادعای بطلان قرارداد یا بی‌اعتباری فناوری نیز نمی‌تواند از تأدیه امتناع نماید. به علاوه اگر این حق را برای لیسانس‌گیرنده قائل باشیم که ضمن بهره‌برداری از فناوری به ادعای عدم وجاهت قانونی فناوری از پرداخت عوض هم معاف باشد. بی‌آنکه قطعیتی در خصوص وارد بودن ادعایش وجود داشته باشد. در این میان تنها لیسانس‌دهنده است که متضرر می‌شود. در صورتی که دادگاه رأی به بی‌اعتباری گواهی‌نامه اختراع بدهد، مجوزگیرنده نمی‌

- پرداخت وجوه و هزینه‌های درج‌شده در قرارداد فرانسیز؛

- آماده‌سازی محل در صورت درخواست امتیازدهنده؛

- امتیازگیرنده موظف است فقط از مواردی که امتیازدهنده یا عرف تجارتی محل در اختیار وی قرار می‌دهد، استفاده کند؛

- امتیازگیرنده موظف است، تجارت فرانسیز را مطابق کتاب راهنمای عملیات و یا راهنمایی‌های امتیازدهنده اجرا کند.

- امتیازگیرنده فقط باید از علائم مرتبط و یا بسته‌بندی‌های تأییدشده مطابق با توصیه‌های امتیازدهنده استفاده کند.

- امتیازگیرنده باید محل را تحت بالاترین درجه استاندارد نگهداری کند. بدون اینکه هیچ تغییری به مکان، بدون اجازه کارفرما بدهد.

امتیازگیرنده باید به بهترین شکل امتیاز را ارائه دهد و ترویج کند و تجارت فرانسیز را گسترش دهد. به طوری که با توجه به تعداد فروشگاه‌ها به درآمد هدف برسد.

- امتیازگیرنده باید کارکنان و رفتار ایشان را مطابق پروسه بسنجد و تحت نظارت قرار دهد.

- امتیازگیرنده باید کنترل از جانب امتیازدهنده را بپذیرد.

- امتیازگیرنده باید اسرار و اطلاعات را به صورت محرمانه پس از فسخ قرارداد نگه دارد.

دکترین حقوقی و رویه قضایی پاسخهای متفاوتی وجود دارد که گاهی دادگاهها آن را از شروط ضمنی تلقی می‌کنند. در انتقال دانش فنی نیز لیسانس‌دهنده ممکن است تضمین کند که دانش فنی او برای پاره‌ای از نیازهای تکنولوژیکی لیسانس‌گیرنده مفید و مناسب است. تضمین مفید بودن نه تنها به طور ضمنی دلالت بر کارایی تکنولوژی دارد؛ بلکه بدین معناست که از لحاظ فنی هم مناسب است؛ ولی به معنای تضمین نتایج ناشی از استفاده از آن نیست.

مجوزگیرنده به خصوص در قرارداد مجوز انحصاری ممکن است بخواهد در قلمرو سرزمینی قرارداد، حق اعطای مجوز فرعی داشته باشد. در این صورت، این موضوع باید به طور خاص مورد مذاکره قرار گرفته و در قرارداد بیان گردد. لذا در صورت عدم تصریح به چنین حقی، مجوزگیرنده نمی‌تواند مجوز فرعی بدهد. البته لازم است در قرارداد مشخص شود که آیا اعطای مجوز فرعی، انتخاب مجوزگیرنده فرعی و شرایطی که بر طبق آن‌ها این مجوز اعطا می‌شود، منوط به رضایت قبلی و کتبی مجوزدهنده اصلی هست یا نه. دلیل این امر واضح است؛ در واقع مجوزگیرنده فرعی قرار است از مال فکری موضوع مجوز بهره‌برداری کند و طبیعی است که احتیاط اقتضا دارد مجوزدهنده اصلی در حدود متعارف حق کنترل مجوزهای فرعی را برای خود پیش‌بینی نماید. قانون ۸۶ در این زمینه حکمی ندارد. با وجود این، ماده ۱۴۱ آئین‌نامه در زمینه مجوز بهره‌برداری از علامت تجاری لازم می‌داند در قرارداد تصریح شود که آیا مجوزگیرنده حق اعطای مجوزهای بعدی را دارد یا خیر. این ماده نشان می‌دهد که از دیدگاه

تواند حق امتیازهای پرداختی از زمان اقامه دعوا تا هنگام صدور حکم را مسترد کند. زیرا یکی از شرایط، اقامه دعوا وجود اختلاف واقعی میان طرفین است و اگر دریافت‌کننده لیسانس در عین اعتماد به بی-اعتباری، به پرداخت حق امتیاز ادامه دهد، در واقع باید گفت اختلاف واقعی میان آنان وجود نداشته است.

۳-۴. حقوق امتیازگیرنده

حقوق امتیازگیرنده عبارت است از:

- امتیازگیرنده، حق استفاده از حقوق معنوی و فکری که به وی واگذار شده است دارد.

- امتیازگیرنده حق تأمین کالا و یا محصولات موضوع قرارداد را دارد.

- امتیازگیرنده حق انحصاری برخورداری از امتیاز را دارد. دارنده پروانه و مجوز حق غرامت دارد (عایشه ابراهیم، ۲۰۲۰).

به طور کلی گرایش جدید این است که لیسانس‌دهنده کاربرد فنی و مفید بودن اختراع را تضمین کند؛ ولی مسئول بازده تجاری محصولات ساخته شده از آن نیست. با وجود این، چون قراردادهای لیسانس تابع اصل آزادی قراردادی‌اند، تعهدات لیسانس‌دهنده به طور عمده در قرارداد پیش‌بینی می‌شود. در بسیاری موارد، لیسانس‌گیرنده‌ها از استفاده فنی اختراع آگاهی ندارند و به گفته‌های لیسانس‌دهنده اعتماد می‌کنند و آن‌ها باید کاربرد و استفاده فنی اختراع خود را تضمین کنند. اگر در قرارداد، تضمین مربوط به کاربرد فنی و مفید بودن اختراع پیش‌بینی نشود، در

آئین‌نامه، اصل بر عدم وجود حق اعطای مجوز فرعی توسط مجوزگیرنده است.

۶. نتیجه

حقوق مالکیت فکری شاخه جدیدی از حقوق مدنی است که با توجه به گسترش علم و خلق آثار ادبی و هنری به وجود آمده است. هدف حقوق مالکیت فکری و معنوی حمایت از این دسته آثار است. حقوق مالکیت فکری از فنون، ادب، محصول و نتایج تفکر انسان، هم‌چون اختراعات، حقوق مؤلف و طرح‌های صنعتی و ... حمایت می‌کند.

با توجه به اصول و آموزه‌های حقوق مالکیت فکری ایران، می‌توان گفت که حقوق مالکیت فکری و معنوی همانند دیگر اموال مادی «حق شخصی مشروع و قانونی» است. پیشرفت حقوق مالکیت فکری در فعالیتهای تجاری قراردادهای فرانسیز را به‌صورت نوعی از قراردادهای تجاری مبدل کرده است. تبدیل قراردادهای فرانسیز به یکی از فعالیتهای تجارتی بازتاب و انعکاس چهارچوب حقوقی و فرهنگی ملتها است. علی‌رغم اهمیت ارائه یک تعریف معین و دقیق از مفهوم قراردادهای فرانسیز، قانون‌گذار ایرانی به این مورد کم‌توجه بوده است و از ارائه یک تعریف جامع از قراردادهای فرانسیز غفلت کرده است. در انگلستان، قرارداد فرانسیز به این صورت تعریف می‌شود: «قراردادی است که امتیازدهنده به امتیازگیرنده پروانه و حق بهره‌برداری از اثر خود را می‌دهد. در این قرارداد، امتیازدهنده به امتیازگیرنده اجازه می‌دهد یا از او می‌خواهد که در یک دوره زمانی معین تحت نام تجاری او کار خاصی را انجام دهد.

- اعطای مجوز که امتیازگیرنده از آن امتیاز استفاده می‌کند و امتیازدهنده در طول مدت قرارداد بر فعالیت وی کنترل و نظارت داشته باشد.

- امتیازدهنده موظف است هر آنچه را که برای انجام کارهای موضوع قرارداد لازم است. در اختیار دارنده پروانه قرار دهد. در واقع امتیازدهنده باید کمک‌های فنی و تجاری و سازمان‌دهی ایثار خود و آموزش کارکنان را در تمام جنبه‌های بازرگانی اداری و فنی و انجام دهد.

- امتیازگیرنده در طول مدت قرارداد فرانسیز باید به پرداخت‌های مالی و دوره‌ای توجه کند و هزینه‌های مقرر که برای پیوستن وی به شبکه هزینه شده است، اقدام کند. هم‌چنین باید برای پرداخت هزینه کالاها و خدمات ارائه‌شده به امتیازگیرنده اقدام کند.

- قرارداد منعقد بین شرکت هلدینگ و شرکت تابعه آن امتیاز محسوب نمی‌شود.

- هم‌چنین قرارداد منعقد با همان شخص و یا همان شخص با شرکتی که آن را کنترل می‌کند. در مفهوم این ماده در میابیم که تعریف قانون‌گذار انگلستان از قراردادهای فرانسیز از دقت و اهتمام بیشتری برخوردار بوده است. دیگر حقوق‌دانان قرارداد فرانسیز را با حق انتفاع برابر می‌دانند. حق انتفاع یعنی حق بهره‌برداری از مال دیگری به اسم او. اگر حق انتفاع را در مورد حقوق غیر مادی صحیح بدانیم و آن را به حقوق معنوی سرایت دهیم، می‌توان گفت که این عقد با حق انتفاع برابری دارد یا شباهت بسیار زیادی دارد. چراکه در هر دو قرارداد حق بهره‌برداری از مال معین امتیازگیرنده یا منتفع برگزار می‌شود و منتفع یا امتیازگیرنده مالکیت منفعت را ندارد و فقط اجازه

استفاده از آن را دارد و در هر دو مورد، برای مدت معین منعقد می‌گردد. لذا می‌توان گفت که قرارداد فرانشیز به حق انتفاع شباهت زیادی دارد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان در این پژوهش مشارکت برابر داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در نگارش و چاپ این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

فارسی

- محمدی، پژمان، «ماهیت و اثر قراردادهای بهره- برداری از حقوق مؤلف»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۳، ۱۳۸۷.

- محمودی، اصغر، «ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آن‌ها در حقوق و انواع آن»، فصلنامه علمی و پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره ۲، ۱۳۹۱.

- نجفی، حامد، «مطالعه تطبیقی مفهوم و کارکرد مالکیت فکری در حقوق ایران- آمریکا تمهیدی برای تغییر»، مجله حقوق اسلامی، شماره ۷۰، ۱۴۰۰.

- هاشمی‌شاهرودی، محمود، «مالکیت فکری تأملاتی در مبنا و گستره»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۰، ۱۳۸۴.

عربی

- حرعاملی، محمد بن حسن، الوسائل الشیعه، جلد سوم، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۴.

- الحسنی‌الندرینی، ابوالحسن علی، حق الابتکار فی افقه الاسلامی المقارن، لبنان- بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۱.

- حنان، ایمان، اداره العلامه التجاریه فی شبکات الفرانشایز (الدراسه حاله موسسه بی بی جی الاردن، والتلییس، الجزایر)، اردن، کلیه العلوم الاقتصادیه و التجاریه قسم العلوم التجاریه، ۲۰۱۳.

- عایشه ابراهیم، الهیدوس، الطبیعه القانونیه لعقد الفرانشایز- دراسه المقارنه، قطر، الجامعه القطر، ۲۰۲۰.

- اسدلو، مرتضی، «توسعه در مفهوم سرمایه- عزیمت تعاملات معاهدات سرمایه‌گذاری با حقوق مالکیت فکری»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره اول، ۱۳۹۸.

- آیتی، حمید، حقوق آفرینش‌های فکری، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدانان، ۱۳۷۵.

- ایروانی مهاجرانی، فاطمه‌السادات، «قاعده کشور محل حمایت از حقوق مالکیت فکری، فرصت یا چالش؟»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق خصوصی، شماره ۳۶، ۱۴۰۰.

- بجنوردی، سید محمد، «حقوق مالکیت‌های فکری»، فصلنامه رهنمون، شماره ۲ و ۳، ۱۳۷۱.

- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی: عقود معین ۱، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۱.

- صابری، روح‌اله، قراردادهای لیسانس، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۷.

- صادقی نشاط، امیر، حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶.

- صفری، محسن؛ مشهدیان، شهاب، «بررسی ماهیت قرارداد فرانشیز در حقوق ایران»، مجله دانشگاه علوم سیاسی، شماره ۱۳، ۱۳۸۹.

- عالی‌پناه، علیرضا؛ آقاداتاشی، رسول، «قواعد حاکم بر استثنائات حق اختراع در چهارچوب فقه امامیه»، مجله حقوق اسلامی، شماره ۶۵، ۱۳۹۹.

لاتین

- Payne, Graeme, "The franchise law review United Kingdom ,"<http://lawreview.co.uk.tit>,2022.
- Pelivanov, Goran, Factully of law, first edition, misplaced, University of Good Delecv, 2022.
- Sandeen, Sharon K, Intellectual Property Deskbook for the Business Lawyer: A Transactions-based Guide to Intellectual Property Law, American Bar Association, USA, 2007.